

ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سر دبیر: دانیال معمار
معاون ضمائم: پروانه بهرام نژاد
دبیر ویژه نامه: زکیه سعیدی
تحریریه: فرزین شیرزادی، سروش جنایی، سمیرا باباجانپور
ثریا روزبهانی، حسن حسن زاده، شهره کیانوش راد، حمیدرضا رسولی، بهاره خسروی، فاطمه لیا، صفورا صادقی و مقداد مهربانی

واحد فنی:

مدیر فنی: **حامد یزدانی**، مدیر هنری: **مهدی سلامی**
طراح گرافیک و صفحه آرایی: **حمید یزدانی**، **سعید غفوری** و **امید روشنگر**
عکس: **گروه عکس همشهری**، **ویرایش عکس:** کامییز نویدی
صفحه خوانی: **سمانه مومن**، **هاله جوانفر**، **اعظم آجور بندیان**

چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک:
موسسه نشر گستر امروز نوین
پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰

صندوق پستی:
۱۹۳۹۵۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۲۳۴۶۴
نمابر: ۲۳۰۴۶۰۶۷



گروه ضمائم همشهری ناشر نشریات:

دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایدار، اقتصاد، تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها، سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهر نگار، سرخ و محله

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر ۳، نرسیده به پارک وی، کوچه شهید فریبتی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

بهترین قصه‌های نارنجی تهران
جایزه می‌گیرند

صفحات «روایت تهران» که پیش‌روی شماست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرها، واقعه‌های تأثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد. با عکس‌های یادمانداز خاطرات تهران دیر و قصه‌ها و ماجراهای پس‌پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و شما «همشهریان همراه» هدیه‌های تقدیم می‌کند.
نشانی و شماره تماس ما: mahaleh@hamshahri.org - ۰۲۳۰۲۳۴۵۵ - ۰۲۳۰۴۶۰۶۷

اجاره خالصه مستقیم در جیب دولت



مکان یا فضایی که به حکومت تعلق داشت، به آن تیول یا خالصه می‌گفتند و جزو اموال دولتی به‌شمار می‌رفت. به همین خاطر فردی که آن را اجاره کرده بود باید کرایه‌اش را به دولت می‌پرداخت و خالصه محسوب می‌شد. سرای خالصه یک تا ۳ در علاف‌خانه قرار داشت. نکته بامزه‌ای هم درباره کاربرد امروزی اصطلاح علاف اضافه کنیم؛ کلمه علاف برگرفته از علوفه است، ولی چون علوفه‌فروشان آدم‌هایی بودند که سر روستایی‌های بیچاره را که گون و گبره برای فروش آورده بودند، کلاه می‌گذاشتند، به همین دلیل هر آدمی که گیر آنها می‌افتاد، می‌گفت گیر علاف افتادم؟ و مقصودش معطل شدن، سرگردان شدن و گیج شدن توسط علاف‌ها بود. علاف‌ها ساعت‌ها وقت روستایی‌ها را به خاطر کسب سود نامتعارف می‌گرفتند. در سال ۱۲۵۸ تعداد مغازه‌ها در سنگلج ۴۵۸ باب بود و بر پایه آمار نجم‌الملک در سال ۱۳۴۲ تعداد دکان‌ها ۱۴۱۶ باب بود که خانه بزرگ میرزا ابوالحسن خان ایلچی، به‌تنهایی ۳۰ باب مغازه داشت. پس از ویرانی بخش شمالی محله سنگلج، تعدادی از دکان‌ها و بازارچه‌های محلی از میان رفتند ولی با توسعه شهری محله سنگلج، کوچک شدن مساحت خانه‌ها و از میان رفتن حیاط‌ها و در دوره جدید با چندطبقه شدن خانه‌ها و پدید آمدن دکان‌ها و حتی پاساژها، اکنون عدد امکان تولیدی و توزیعی در محله افزایش یافته و امروز و دیروز محله سنگلج با یکدیگر بسیار متفاوت است.

موضوع: فعالیت سراها در سنگلج
ویژگی: ۷ سرا در یک محله برای رونق کسب و کار

سنگلج در تهران قدیم علاوه بر بازارچه و کاروانسرا، ۷ سرا داشت که رونق اقتصادی بسیاری به این محله بخشیده بود. برخلاف اینکه بازارچه‌ها، حالت محلی داشت و مشاغل مورد نیاز اهالی محل مانند نانوا، میوه و سبزی‌فروشی، کشک‌سبایی، ماست‌بندی و حمامی زیر یک گذر جمع بودند و از یک صنف ۲ کاسب فعالیت نمی‌کرد، مجموعه‌ای از یک شغل که حتی می‌توانست مکمل یا حرفه‌های مربوط به آن شغل هم باشد، در یک سرا گرد هم جمع می‌شدند و فعالیت داشتند؛ مثلاً وقتی وارد سرای ملاعلی می‌شویم فقط فرش فروش‌ها هستند. اردشیر آل عوض، محقق فرهنگ عامه درباره شکل و نحوه فعالیت این سراها می‌گوید: «معمولاً سراها متشکل از ده‌ها دهنه مغازه از یک شکل و یک کار در بازار اصلی بودند که با یک در بسته می‌شدند. همچنین علاوه بر سرا، سراچه هم وجود داشت که شبیه سرا بود ولی در مقیاس و ابعاد کوچک‌تر که البته از شغل یک‌دست برخوردار نبودند. آصف‌الدوله در شرق دروازه قزوین، حاج میرزا احمد خوانساری، خالصه یک، ۲ و ۳ در غرب خیابان دروازه نو در علاف‌خانه، معتمدالحرم و میرزا احسین بلور در شرق باغ معیرالممالک از جمله سراهای محله سنگلج بودند. در دوره قاجار هر

هر پاتوق به نام یک پاسبان



موضوع: پاتوق‌های محله سنگلج
ویژگی: ۹ پاتوق در یک محله

۳۶۸ دکان، شلوغ‌ترین محل کسب و کار بود و از سوی دیگر پاتوق اکبر نایب را هم با ۵ مسجد و ۴ تکیه می‌توان پاتوق معنوی سنگلج معرفی کرد. جالب است بدانید در برخی پاتوق‌ها مانند پاتوق نایب محمدعلی کالسکه‌خانه وجود داشت. در آن دوران کالسکه برای اعیان و اشراف بود اما در شکه برای عوام الناس. چون اغلب رجال و اشراف در محله سنگلج و بازار ساکن بودند و چه بسا که اسب و کالسکه‌شان را یک‌جا می‌گذاشتند، بعضی از این پاتوق‌ها، کالسکه‌خانه داشتند. حتی در خانه برخی از این رجال مانند خانه عبدالوهاب خان پُدر (در انتهای کوچه مدرس فعلی) کالسکه‌خانه شخصی وجود داشت. «مسعود نوربخش، نویسنده و تهران‌شناس درباره وضعیت خانه‌ها در پاتوق‌های سنگلج می‌گوید: «محله سنگلج از نظر تراکم مسکن در سال ۱۲۷۸ مقام اول را داشت و تعداد خانه‌های آن از ۱۹۶۹ باب به ۴۴۴۸ باب افزایش پیدا کردند و با احداث ۲۴۷۹ خانه در این محله، از رشدی حدود ۱۲۶ درصدی برخوردار شد.»

محله سنگلج در تهران قدیم از ۹ پاتوق محلی تشکیل شده بود که اهالی و تهرانی‌ها هر کدام از این پاتوق‌ها را به نام یک فرد نامی می‌شناختند. هر پاتوق، بنا و مکان‌های خاص خودش مانند خانه، مسجد، حمام و... را داشت. در دوره مظفرالدین شاه پاتوق‌ها تا حدی معنای نخستین خود را که پای علم، جایی که رایت و درفش را نصب کنند یا محل اجتماع لوطیان بود، از دست داد و پاتوق‌ها به نام پلیس مسئول محله نامیده شد. براساس آمار، سال ۱۲۷۸ پاتوق نایب‌شعبان، پاتوق نایب‌حسین، پاتوق نایب‌مضان، پاتوق نایب‌باقر، پاتوق نایب‌محمدعلی، پاتوق نایب‌رضا، پاتوق نایب‌صحت، پاتوق نایب‌سیدعلی اکبر و پاتوق نایب‌وهاب از جمله پاتوق‌های معروف محله سنگلج بود. نصرالله حدادی، تهران‌پژوه درباره هویت این پاتوق‌ها می‌گوید: «در تهران قدیم در محله سنگلج ۹ پاتوق وجود داشت. این پاتوق‌ها هیچ‌گونه بستگی‌ای به معنای اصلی «پاتوق» یا «پاتوغ» نداشت و نامی استعاری بود. پاتوق را امروز به هر محلی که مرکز جمعیت یا کاری باشد اطلاق می‌کنند و همچنین مراکز حزبی و صنفی را هم پاتوق می‌گویند. مثلاً زمانی، قهوه‌خانه قنبر پاتوق نانواها بود. بارفروش‌های میدان هم قهوه‌خانه‌ای برای دورهمی خود داشتند. پاتوق نایب‌محمدعلی با ۵ گذر، ۹۳۰ خانه و ۱۳ حمام بزرگ‌ترین و پرخوردارترین پاتوق محله سنگلج به‌شمار می‌رفت و پاتوق نایب‌باقر هم با ۵ گذر

جایی برای زندگی یک پنجم تهرانی‌ها



چال میدان می‌رفتند اما برخی از غلام‌سبایه‌ها که به اصطلاح «نوکر در بست» بودند در باغ‌های سنگلج مثل باغ مستوفی و باغ معروف معیرالممالک می‌مانند و همانجا زندگی می‌کردند. رسم بر این بود که افراد ثروتمند، اتاق‌های دور تا دور باغ را به فرزندان‌شان اختصاص می‌دادند و غلام‌ها و نوکرها در انتهای باغ زندگی می‌کردند.»

ناگزیر به محله‌های بالادست و خلوت‌تر کوچ کردند. ناصر تکمیل‌همایون در کتاب «سنگلج» آمار جالبی درباره جمعیت «غلام‌سبایه»، «کنیز»، «نوکر» و «خدمتکار»‌های این محله از دوره قاجار تا دوره پهلوی اول منتشر کرده است. نارنجی نژاد، زندگی قشر فرودست در سنگلج را نشانه حضور ثروتمندان در این محله می‌داند و می‌گوید: «بیشتر پژوهشگران حوزه تهران‌پژوهی بر این باورند که سنگلج تا پایان دوره پهلوی اول در قسری درباری‌ها و بازاری‌ها بوده است. در برخی منابع مکتوب آمده که عمه و پزشک مخصوص ناصرالدین شاه و بسیاری از درباریان در باغ‌های سرسبز عودلاجان و سنگلج زندگی می‌کردند. این افراد خدمتکارانی داشتند که برای سکونت به

سنگلج درباره روزگار سپری شده یکی از قدیمی‌ترین محله‌های پایتخت می‌گوید: «سنگلج در دوره قاجار یکی از بزرگ‌ترین محله‌های تهران به حساب می‌آمد و به اتفاق عودلاجان و سبزوین از خوش‌آب و هوایترین نقاط تهران بوده است. از روایت‌های معتبر و موثق پیداست که این وضع تا دوره پهلوی اول هم ادامه داشته و نقل است که کارشناسان آلمانی در پایان پایش محله به محله آب و هوای تهران اعلام می‌کنند سنگلج در مقایسه با سایر محله‌ها، بیشترین اکسیژن را دارد و خوش‌آب و هوایتر است. محله قدیمی و خوش‌آب و هوای سنگلج در دوره پهلوی دوم که قرار شد پایتخت گسترش پیدا کند از گزند ساخت و سازهای بی‌رویه و شلوغی‌های سرسام‌آور در امان نماند و طبقه اعیان

موضوع: جمعیت سنگلج
ویژگی: در دوره پهلوی اول ۲۰ درصد جمعیت تهران در این محله زندگی می‌کردند

احصائیه عبدالجبار نجم‌الملک نخستین آمار به‌شمار می‌رود که درباره جمعیت تهران و محله‌های اطراف آن منتشر شده است. طبق احصائیه نجم‌الملک، تهران تا سال ۱۲۴۵ شمسی ۱۵۷۱۳۶ نفر جمعیت داشته که ۲۹۶۳ نفر (معادل ۲۰ درصد کل جمعیت پایتخت) در سنگلج زندگی می‌کردند. هجوم تهران‌نشین‌ها به سنگلج برای ساختن خانه‌های ویلایی بی‌دلیل نبوده و این محله برای قشر مرفه، حکم بیلاق را داشته است. حمیدرضا نارنجی نژاد، عضو هیأت مؤسس انجمن